

نوزده ماه قطع رابطه و در دسامبر ۱۹۵۳ پس از پانزده ماه. اما شیوه کار یکسره فرق می کرد. هر دو موضوع ارزش تعریف کردن دارد.

عزیمت مری در ۵ دسامبر به مقصد بغداد، ایرانیان را ناراحت کرد و بی درنگ در صدد حل مناقشه از طریق استراتفور رد کلیف سفیر انگلیس در قسطنطنیه برآمدند. در آنجا ایرانیان موافقت کردند که شماری از خواسته های تحقیر آمیز برای بازگشت مری را بپذیرند، از جمله شلیک بیست و یک تیر توپ هنگامی که برچم انگلیس بر فراز سفارت آن کشور در تهران برافراشته می شود. اما هنگامی که انگلیسیها درباره عزل صدراعظم اصرار ورزیدند، ایرانیان طفره رفتند. با آغاز جنگ هرات مذاکرات به حال تعلیق درآمد و هنگامی که از سر گرفته شد، بخشی از مذاکرات صلح در پاریس بود. ماده ده عهدنامه صلح پاریس که در مارس ۱۸۵۷ امضا شد مقرر می داشت:

«به مجرد مبادله تصدیق نامجات این عهدنامه، سفارت انگلیس به طهران مراجعت خواهد کرد و دولت ایران قبول می نماید که سفارت مذکور را با معذرت و تشریفات معینه که وکلای مختار طرفین معظمین امروز در نوشته جداگانه امضا نموده اند بپذیرد.»

در آن زمان پالمستون نخست وزیر انگلیس بود و در این «نوشته» امتیازات اندکی به منظور تسکین احساسات ایرانیان داده شد و در مورد «معذرت خواهی و تشریفات معینه» موضوع را به خوبی روشن کرد:

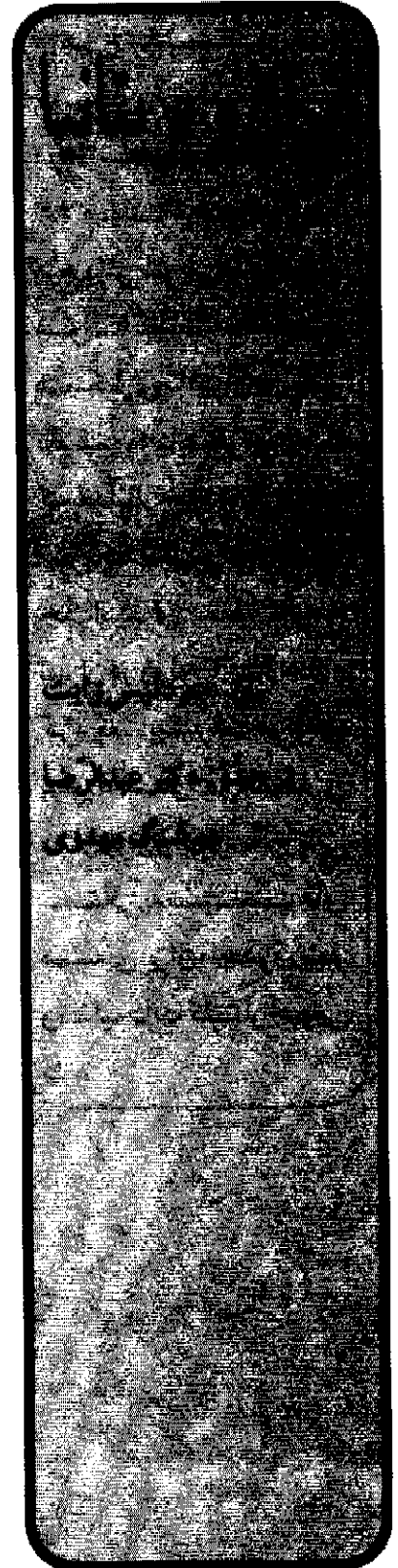
«صدراعظم به نام پادشاه نامه ای به آقای مری خواهد نوشت مشعر بر ابراز تأسف از اظهارات توهین آمیزی که نسبت به حیثیت وزیر مختار بریتانیا کرده بود تقاضا خواهد کرد که نامه ۱۹ نوامبر او و همچنین دو نامه وزارت خارجه مورخ ۲۶ نوامبر که یکی از آنها متضمن فرمایش شاه در اهانت نسبت به آقای مری بوده است عودت داده شود. رونوشتی از این نامه باید رسماً از طرف صدراعظم به همه نمایندگان گنجهای سیاسی خارجی در تهران ارسال و مفاد آن در پایتخت اعلام شود. نامه اصلی به وسیله یکی از مأموران عالی رتبه ایران

اخیراً مجموعه مقالات سردنيس رايت سفیر پیشین انگلستان در تهران با عنوان «ایران و بریتانیا (۱۹۸۰-۱۷۹۰)» از سوی انتشارات انجمن ایران، در لندن منتشر شده است. دنيس رايت نخستین دیپلمات انگلیسی بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سرنگونی دولت دکتر مصدق برای تجدید روابط دیپلوماتیک به ایران آمد و پس از انجام موفقیت آمیز مأموریت چهار ماهه اش، کشورمان را ترک کرد. وی در سال ۱۳۴۲ بار دیگر به سمت سفیر به ایران آمد و در مدت هشت سال اقامت نقش مهمی در سیاستهای ایران بازی کرد. در این مجموعه مقالات، دنيس رايت بخشی از خاطرات خود را نقل کرده است که ترجمه آنها در چند شماره اطلاعات سیاسی - اقتصادی به نظر خوانندگان خواهد رسید.

### تجدید روابط دیپلوماتیک با ایران

در اکتبر ۱۹۵۲ دکتر محمد مصدق نخست وزیر ایران به دنبال برخوردی تلخ با بریتانیا بر سر ملی کردن صنعت نفت ایران در سال پیش از آن، روابط دیپلوماتیک ایران را با آن کشور قطع و دیپلماتهای انگلیسی را اخراج کرد. آخرین قطع روابط دیپلوماتیک میان دو کشور، يك سده پیش از آن در دسامبر ۱۸۵۵ هنگامی روی داده بود که عالی جناب چارلز آگوستوس مری وزیر مختار انگلیس، دومین پسر ارل دانمور و فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد در يك مشاجره تلخ شخصی با شاه و صدراعظم او تهران را با کارمندان سفارت و یکصد قاطر حامل اسباب و اثاث خود به سوی بغداد ترک و پیشنهاد کرده بود تا زمانی که ایرانیان تلافی و عنبر خواهی نکنند در آنجا باقی بماند. اختلاف شخصی که مری خودبین در آن بی تقصیر نبود، در سال بعد به دنبال فتح هرات - که انگلیسیها آن را دروازه امپراتوری هند تلقی می کردند - به دست ایرانیان و سپس جنگ کوتاه ایران و انگلیس ادامه یافت و وخیم تر شد.

در هر دو مورد، روابط دیپلوماتیک به سود انگلستان تجدید شد: در دسامبر ۱۸۵۷، پس از



از سرنگونی مصدق از سوی ویلیام استرانگ معاون دائمی وزارتخانه احضار شدم و او از من خواست که به محض اینکه زمینه برقراری روابط با ایران فراهم شود، آماده پرواز به تهران باشم تا به عنوان کاردار سفارت انجام وظیفه کنم. در همین حال جان هاینکر رئیس اداره کارگزینی وزارت خارجه کار گردآوری کارمند برایم را آغاز کرد. البته من از اینکه برای این مأموریت هیجان انگیز برگزیده شده بودم خوشحال و در عین حال شگفت زده شده بودم، چون درباره مسئله نفت که در آن زمان به وسیله یک کارمند (بیشتر رمز بوتام) اداره و مستقیماً به معاون مافوقمان در وزارتخانه (راجر مکینس) گزارش می شد، اطلاعات ناچیزی داشتم. درباره ایران، اطلاعات من از آنها کمتر بود.

لیکن امید بازگشایی سریع سفارت در تهران تبدیل به یأس شد. ایرانیان خواستار بودند که ابتدا مسئله نفت حل شود و بحق بیم از آن داشتند که احساسات ضد انگلیسی به وسیله مصدق تحریک شود. ولی سر آنتونی ایدن وزیر خارجه اصرار داشت که ابتدا روابط دیپلماتیک برقرار شود. بیش از سه ماه طول کشید تا ایرانیان سر تسلیم فرود آوردند. سرانجام در ۵ دسامبر ۱۹۵۳ (درست مصادف با همان روزی که در نود و هشت سال پیش روابط قطع شده بود) اعلامیه ای که با زحمت بسیار آماده شده بود همزمان در لندن و تهران منتشر شد مبنی بر اینکه روابط تجدید و به دنبال آن مذاکرات نفت «در نزدیکترین وقت مورد توافق طرفین» آغاز خواهد شد. انتشار غیر عادی چنین اعلامیه مهمی در بعد از ظهر یک روز شنبه و بیش از مطرح شدن آن در پارلمان از ترس این بود که ایرانیان تغییر عقیده بدهند!

اکنون من آماده پرواز به تهران شده بودم و مانند همه کسانی که قرار بود همراهی ام کنند، کار خود را در وزارت خارجه ترك کردم. اما يك بار دیگر نوید شدم؛ زیرا هنگامی که آلفرد اشر وزیرمختار سوئیس در تهران که حافظ منافع بریتانیا بود نام ما را به وزارت امور خارجه ایران داد، به او گوشزد شد که تصمیم درباره پذیرفتن هر دیپلمات انگلیسی که پیشتر در ایران خدمت

در بغداد به آقای مری تسلیم خواهد شد و متضمن دعوتنامه ای از طرف شاه و مشعر بر این خواهد بود که وزیرمختار و اعضای نمایندگی به تهران ورود نمایند، با قید این اطمینان از جانب اعلیحضرت که همه گونه احترامات که درخور شأن و مقام نماینده دولت بریتانیا است نسبت به او معمول خواهد گردید و مأمور متناسب دیگری به نام مهماندار اعزام شود که طی مسافرت در ایران همراه وزیرمختار باشد.

وقتی آقای مری به پایتخت نزدیک می شود به وسیله کسی که از مقامات بالاست استقبال شود و تا اقامتگاه شهری وزیرمختار همراه او باشد. به محض ورود وزیرمختار به محل اقامت خود صدراعظم با تشریفات رسمی به آنجا خواهد رفت تا با آقای مری تجدید روابط نماید، ولی وزیر امور خارجه خواهد ماند که وزیر مختار را به قصر همایونی راهنمایی کند و از آنجا صدراعظم آقای مری را به حضور اعلیحضرت خواهد برد.

صدراعظم باید ظهر روز بعد به ملاقات وزیرمختار برود و او دست کم تا ظهر روز بعد از صدراعظم بازدید خواهد نمود.

ایرانیان شکست خورده، چاره ای به جز پذیرفتن این خواسته ها نداشتند و در ۱۸ ژوئیه ۱۸۵۷ مری با کارمندان و ملتزمان بزرگی از خدمتکاران، گاردها و قاطرچیان وارد تهران شد.

داستان تجدید روابط دیپلماتیک در ۱۹۵۳ یکسره متفاوت بود. این داستان با سرنگونی دکتر مصدق در ۱۹ اوت ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تقویم ایرانی) با کودتایی که هم انگلیسیها و هم آمریکاییها در آن دست داشتند آغاز شد. جانشین مصدق، سرلشگر فضل الله زاهدی، ژنرال طرفدار آلمان بود که در ۱۹۴۲ به وسیله فیتزروی مکین ر بوده و در سراسر جنگ در فلسطین نگهداری شد، ولی اکنون هم انگلیسیها و هم آمریکاییها نسبت به او نظر مساعد داشتند. مقامات «وایت هال» امیدوار بودند که هرچه زودتر روابط دیپلماتیک تجدید شود.

در آن زمان، من رئیس اداره روابط اقتصادی در وزارت خارجه بریتانیا بودم و یکی دو روز پس

### ○ رفتن چارلز آگوستوس

مری وزیرمختار انگلیس در تهران به بغداد با قهر، ایرانیان را ناراحت کرد و بی درنگ در صدد حل اختلاف از طریق استراتفور رد کلیف سفیر انگلیس در قسطنطنیه برآمدند. در آنجا، ایرانیان شماری از خواسته های تحقیر آمیز دولت بریتانیا برای بازگشت مری را پذیرفتند، از جمله شلیک کردن بیست و یک تیر توپ هنگامی که پرچم انگلیس بر فراز سفارت آن کشور در تهران برافراشته می شود.

کرده باشد، هنوز به قوت خود باقی است. چهار عضو ارشد گروه من، همه پیشتر در ایران خدمت کرده بودند.

این خبر مانند بمبی در وزارت خارجه صدا کرد. آیا دولت بریتانیا در برابر حکم تهران سر فرود خواهد آورد یا نه؟ دربارهٔ چنین موضوع حساس سیاسی تنها وزیران می توانستند تصمیم بگیرند، ولی هم ایران و هم چرچیل نخست‌وزیر در برمودا سرگرم مذاکره با رئیس‌جمهور آیزنهاور بودند. تلگراف‌های متعددی رد و بدل شد و به من دستور دادند به محض بازگشت ایدن به لندن با او دیدار کنم. این دیدار صبح روز ۱۲ دسامبر انجام گرفت و ایدن گفت به شرط اینکه یکی از کارمندان قدیمی سفارت که محل سفارت در تهران را به خوبی بشناسد همراه من باشد با تعویض دیگران موافقت خواهد کرد.

من جان فرنلی را انتخاب کردم که به هنگام قطع روابط در بخش بازرگانی سفارت خدمت می کرد و مشتاق بازگشت به ایران بود. به جای کسانی که حذف شده بودند، چارلز ویگین (سفیر بعدی در اسپانیا)، دیک فرانکس (رئیس بعدی سازمان ام. ای. سی. و. و. پیروتی را به من دادند. نمی توانستم درخواست گروه بهتری بکنم.

با اینکه عید میلاد مسیح بسیار نزدیک بود، به تعویق انداختن سفر قابل طرح نبود. یک فروند هواپیمای کوچک و ایکینگ را برای پرواز هیأتی مرکب از چهارده مرد و زن کرایه کردند، بی آنکه هیچ کس همسر خود را همراه بیاورد، چون در آن هنگام هیچ پرواز تجارتي از لندن به تهران وجود نداشت. قرار بود پیش از سپیده دم روز ۱۸ دسامبر از فرودگاه بووینگتون در ایالت هر تفورد شایر پرواز کنیم، ولی مه غلیظ پروازمان را بیست و چهار ساعت به تأخیر انداخت و ما بعداز ظهر ۲۱ دسامبر پس از توقف شبانه در آتن و بغداد به تهران رسیدیم. از بغداد نیز به علت هوای بد و تکانهای سخت هواپیما بر فراز کوه‌های زاگرس، پرواز با تأخیر انجام گرفت. در فرودگاه تهران که سخت از جانب نیروهای انتظامی حفاظت می شد، مورد

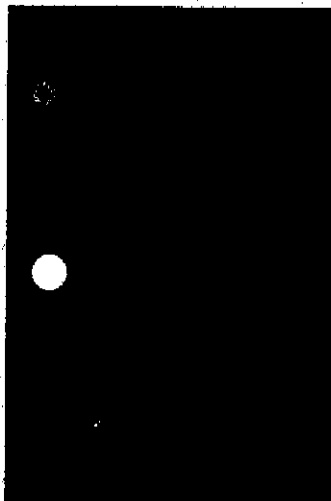
استقبال وزیرمختار سوئیس، نفر دوم سفارت آمریکا، معاون تشریفات وزارت امور خارجه ایران و چند روزنامه‌نگار انگلیسی و ایرانی قرار گرفتیم.

این مسئله که من مراسم تشریفاتمانند آنچه را در يك سده پیش از مری برگزار شده بود پی گیری کنم، مطرح نبود. اشر وزیرمختار سوئیس ما را تا سفارت همراهی کرد و صبح روز بعد مرا به حضور عبدالله انتظام وزیر امور خارجه برد که استوارنامهٔ خود را که به صورت نامه‌ای به امضای ایدن بود به او تسلیم کنم. با لغو کردن حضور خبرنگاران و عکاسان در مراسم تقدیم استوارنامه، که اشر ترتیب داده بود، او را دلسرد کردم، چون فکر می کردم باید سرمان را پایین نگه داریم و با احتیاط پیش برویم.

ایدن در جلد سوم خاطرات خود با عنوان «دایرهٔ کامل» می گوید من مجهز به «دستورالعملهای سخت و شدید» بوده‌ام. البته دستورالعملهای من طولانی ولی در اصل بسیار ساده و عبارت بود از برقراری روابط دوستانه با مقامات ایرانی، ارزیابی امکانات حل مسئلهٔ نفت، آماده کردن زمینه برای ورود سفیر و حفظ جبههٔ مشترک با سفارت آمریکا.

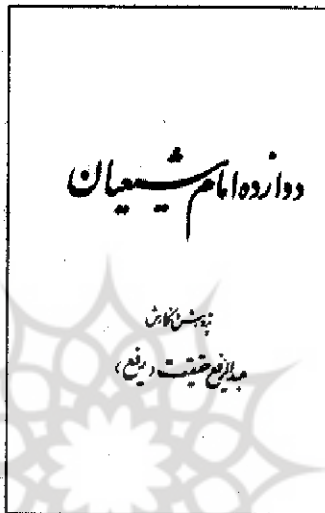
پیش از آنکه بتوانم کار خود را آغاز کنم دشواریهایی با شاه پیدا کردم که می کوشید از طریق واسطه‌ها و از پشت سر وزیرانش با من معامله کند. جز این مسئله که در سرتاسر مأموریت من در ایران ادامه داشت، همه چیز به خوبی پیش رفت و با ورود سر راجر استیونس و تشریفات رسمی تقدیم استوارنامه که در ۲۵ فوریهٔ ۱۹۵۴ صورت گرفت، روابط کامل دیپلماتیک میان دو کشور تجدید شد. نخستین گزینش ایدن برای سفارت در ایران، رابرت هنکی (لرد هنکی بعدی) بود ولی او پیشتر در ایران خدمت کرده بود و ایدن عاقلانه تصمیم گرفت برای او از دولت ایران اگرمان (پذیرش) نخواهد؛ استیونس را که با اختطاری کوتاه از استکهلم احضار و برای سفارت به او لقب «سر» داده بودند، بعنوان سفیر در تهران برگزید و ثابت کرد که این بهترین گزینش بوده است.

○ سردنيس رايت: [پس از تجدید روابط دیپلماتیک ایران و بریتانیا در دسامبر ۱۹۵۳] پیش از آنکه بتوانم کار خود را [در تهران] آغاز کنم، دشواریهایی با شاه پیدا کردم که می کوشید از طریق واسطه‌ها و از پشت سر وزیرانش با من معامله کند... این مسئله در سرتاسر مأموریت من در ایران ادامه داشت.



**مشروطه ایرانی**  
دکتر ماشاءالله آجودانی  
نشر اختران  
بها ۴۲۰۰ تومان

**دوازده امام شیعیان**  
عبدالرفیع حقیقت (رفیع)  
انتشارات کومش  
بها ۳۹۰۰



**دوازده امام شیعیان**

پیشنهاد  
میرزا رفیع حقیقت (رفیع)



**اسلام و غرب**

**اسلام و غرب**  
سید عطاءالله مهاجرانی  
انتشارات اطلاعات  
بها ۱۰۰۰ تومان

**سائک صلح**  
ترجمه میترا کامی  
انتشارات اطلاعات  
بها ۱۲۰۰ تومان



**جهان باز**  
واقعیّت جهانی شدن  
فیلیپ لگرین  
ترجمه فریدون دولتشاهی  
انتشارات اطلاعات  
بها ۱۹۰۰ تومان

**اقتصاد سیاسی ایران**  
دکتر بهنام ملکی  
انتشارات نور علم  
بها ۱۷۰۰ تومان

